



خوانش انتقادی داستان نتایج انقلاب ایران به روایت نیکی کدی

سید محمد میر صالحی

مقدمه

بعضی از کتاب‌ها بیشتر از آن که خودشان مهم باشند نام و شهرت نویسنده‌شان مهم است. نتایج انقلاب ایران^۱ هم حتماً یکی از این کتاب‌هاست که نیکی کدی^۲ در سال ۲۰۰۳ و در سن ۷۳ سالگی آن را نوشت. نتایج انقلاب ایران در اصل تکمله‌ای است سه فصلی بر کتاب ریشه‌های انقلاب ایران^۳ که در سال ۱۹۸۱ م نوشته شده است و هر دو به سفارش دانشگاه ییل^۴ که دانشگاهی خصوصی و امریکایی است.

در این نوشتار ضمن بازخوانی شبکه ارتباطات انسانی نیکی آر کدی، به زمینه‌های نگارش کتاب نتایج انقلاب ایران و خوانش انتقادی محتوای آن خواهیم پرداخت.

-
1. Modern Iran: Roots and Results of Revolution
 2. Nikki Ragozin Keddie
 3. Roots of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran
 4. Yale University



کلیدواژه‌ها: نیکی کدی، نتایج انقلاب ایران، انقلاب اسلامی، تحریف تاریخ، نقد

نیکی کدی؛ سوسیالیست همگرا با بهائیان

دانشگاه ییل به دلایل قدمت، فارغ‌التحصیلی پنج رئیس‌جمهور آمریکا از آن و وجود «محفل مخفی جمجمه و استخوان»^۱ در آن، پر اهمیت و قابل مطالعه است. علاوه بر این، برنامه مطالعاتی ایران‌شناسی در این دانشگاه زیر نظر «عباس امانت» بهایی و از سران جامعه بهایی امریکای شمالی اجرا می‌شود. امانت همچنین عضو شورای سردبیری *دایره‌المعارف ایرانیکا*^۲ و نویسنده چندین کتاب درباره بابیان و بهائیان است.



بازدید محمدرضا شاه و فرح پهلوی از انتشارات یار شاطر

ارتباط کدی با این محفل وقتی بیشتر می‌شود که در سال ۲۰۰۲، جایزه «تاریخ ایران» را از مؤسسه دانشنامه ایرانیکا دریافت کرد. دانشنامه‌ای که آن هم باز به همت امیرعباس هویدا یک درباری بهایی پایه‌گذاری شده است و احسان یار شاطر که در خانواده‌ای بهایی متولد شده مؤسس و هدایت‌گر این دانشنامه است.

«بنیاد مطالعات ایران»^۴ که توسط اشرف پهلوی^۵ پایه‌گذاری شده و زیر نظر او اداره می‌شد، در فصلنامه خود به نام *ایران‌نامه*، ویژه‌نامه‌ای برای بزرگداشت این ایران‌شناس منتشر کرده است.

1. The Order of Skull and Bones
2. <http://ir.voanews.com/a/yale-university/1952143.html>
3. Encyclopædia Iranica
4. <http://fis-iran.org/fa>
5. <http://fis-iran.org/fa/about/trustees>

نویسنده کتاب *نتایج/انقلاب/ایران* در مقدمه کتاب خود از جهانگیر آموزگار برادر جمشید آموزگار که عضو کابینه هویدا و نخست‌وزیر بعد از او بوده، تشکر کرده است. فصلنامه *ایران‌نامه* برای بزرگداشت جهانگیر آموزگار نیز ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده است.



نیکي کدی و جهانگیر آموزگار

ویژه‌نامه فصلنامه *ایران‌نامه* برای بزرگداشت نیکي کدی در ۳۸۰ صفحه فارسی به همراه ضمیمه‌ای انگلیسی در پاییز ۱۳۹۴ منتشر شده است. این ارج‌نامه به سردبیری محمد توکلی طرقي از فعالان برجسته بنیاد اشرف پهلوی و از دوستان نزدیک عباس امانت، منتشر شده است.



عباس امانت و محمد توکلی طرقي



نیکي کدی و محمد توکلی طرقي

کدی در سال ۲۰۰۱ جایزه‌ای به نام «Mentoring award» از انجمن مطالعات خاورمیانه شمال آمریکا^۱ دریافت کرد و تا سال ۲۰۰۳ بورس این انجمن نیز بود. انجمنی که فیروزه کاشانی ثابت از اعضای اصلی و بانفوذ آن است. کاشانی ثابت، استاد دانشگاه پنسیلوانیا و

1. <http://mesana.org/>



مجری - کارشناس تلویزیون صدای امریکا، ارتباطات گسترده‌ای با عباس امانت دارد. عبدالله شهبازی درباره نفوذ بهائیان امریکا و ارتباط عباس امانت و فیروزه کاشانی ثابت می‌نویسد:

به نظر می‌رسد کانون‌های قدرت غرب در قبال مهاجرت ایرانیان سیاستی سنجیده را دنبال می‌کنند. مثلاً، سوئد به عنوان مرکز اصلی مهاجرت کردهای ایران در نظر گرفته شده و سفارت سوئد به سادگی به کردهای روستایی ایرانی ویزا و اقامت می‌داد. بهائیان مهاجر از ایران تنها در آلمان نیستند. ثروتمندترین بخش بهائیان در ایالات متحده امریکا حضور دارند. اینان بسیار متنفذند و کرسی‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی را در بیشتر یا همه دانشگاه‌های امریکا به دست گرفته‌اند. شاخص‌ترین آنان افرادی مانند دکتر احسان یارشاطر، بانی دانشنامه ایرانیکا و دکتر عباس امانت هستند. اینها عموماً غیر معتقد به دین و آتئیست هستند و پیوندهای جدی با لابی نئوکان و کسانی مانند پل ولفوویتز دارند و به شورای عالی امنیت ملی و وزارت خارجه و سیا و سایر نهادهای امریکایی سرویس می‌دهند و البته نظر کارشناسی‌شان عموماً علیه ایران و منطبق با سیاست نئوکان‌ها یعنی در راستای ایجاد و گسترش نظامی‌گری و جنگ در خاورمیانه است.

در انگلیس هم همین وضع است. حتماً ماجرای دیوید کلی را به یاد دارید. دکتر دیوید کلی کارشناس تسلیحاتی و کارمند وزارت دفاع انگلیس و بازرس سازمان ملل در عراق بود که در تهیه گزارش‌هایی که منجر به حمله به عراق شد نقش داشت. او در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۳ به طرز مرموزی خودکشی کرد یا به قتل رسید. خودکشی مرموز کلی جنجال بزرگی در زمان خود بود و بالأخره ماهیت ماجرا روشن نشد. دیوید کلی بهایی و از گردانندگان فرقه بهائی و مسئول مالی آن در بریتانیا بود.

بخش مهمی از بهائیان نیز در بریتانیا و اروپای غربی (آلمان و فرانسه) و نیز در استرالیا زندگی می‌کنند. استرالیا از نظر تمرکز بهائیان قابل توجه است.

با توجه به این پیوندها، بسیار ساده‌اندیشانه است که بهائیت را یک فرقه معمولی دینی بدانیم. این نگاه من نیست. بسیاری از ایرانیان تحصیل کرده

که در امریکا زندگی کرده‌اند و اقتدار بهائیان را می‌شناسند همین داوری را دارند. یکی از دوستان بنده، که سالیان سال استاد دانشگاه در امریکا بوده، می‌گفت: در فضایی که برای استخدام یک استاد ایرانی در دانشگاه‌های امریکا سخت‌گیری‌های شدید می‌شود، فلان خانم تازه دکتر گرفته بهائی از ایران می‌آید و به سادگی در بهترین دانشگاه‌ها مشغول به کار می‌شود. یک نمونه استخدام خانم فیروزه ثابت کاشانی، از نزدیکان دکتر عباس امانت، در دانشگاه پنسیلوانیا است. یعنی، بهائیان در امریکا به یک لابی بسیار قدرتمند مافیایی بدل شده‌اند و بر سیاست خاورمیانه‌ای دولت امریکا تأثیرات جدی دارند. این لابی قدرتمند بهائی، به دلیل برخورداری از بودجه کلان، عملاً محققین ایرانی را ساپورت مالی می‌کند و هدایت همایش‌های مرتبط با ایران و اسلام را به دست دارد. کسانی که عملکرد بهائیان در ایران را بدون توجه به پیوندهای آن با مرکزیت بهائیت و لابی قدرتمند نتوکان در امریکا تحلیل می‌کنند، از سیاست چیزی نمی‌فهمند.^۱

کدی در کنار تمام ارتباطات پیچیده‌اش با نزدیکان و بازماندگان دربار پهلوی، ریشه‌ها و گرایش‌های غیر قابل انکاری به کمونیسم دارد. این پژوهشگر در سال ۱۹۳۰م در محله بروکلین نیویورک متولد شد و در همان‌جا به دبستان و دبیرستان رفت. پس از پایان دوره دبیرستان به مؤسسه مطالعات پیشرفته رد کلیف؛^۲ دانشکده ویژه زنان در دانشگاه هاروارد^۳ وارد شد. پایان‌نامه دوره کارشناسی را درباره حزب سوسیالیست ایتالیا نوشت. در انتخاب این موضوع برای پایان‌نامه سابقه سیاسی خود او و گرایش خانواده‌اش به این حزب بی‌تأثیر نبوده است.

کارشناسی ارشد را در دانشگاه استنفورد^۴ در رشته تاریخ خواند. پایان‌نامه‌اش هم درباره یک فیلسوف ایتالیایی به نام باتیستا ویکو^۵ نوشت که به متأثر بودن از ابن خلدون مشهور است. دکتری را در برکلی^۶ با رساله‌ای با موضوع «تأثیر غرب بر تاریخ اجتماعی ایران مدرن» در سال ۱۹۹۵ به پایان رساند. شاید هم‌زمانی دوره دکتری کدی با جنبش ملی شدن صنعت نفت بی‌تأثیر در انتخاب این موضوع برای رساله‌اش نباشد.

۱. وب‌سایت شخصی عبدالله شهبازی، shahbazi.org، مقاله «ایران و هولوکاست بهائیان»، ۱۱ تیر ۱۳۹۰.

2. Radcliffe Institute for Advanced Study

3. Harvard University

4. Stanford Encyclopedia of Philosophy

5. Giovan Battista Vico

6. University of California, Berkeley



کدی در سال ۲۰۰۲، جایزه «تاریخ ایران» را از مؤسسه دانشنامه ایرانیکا دریافت کرد. دانشنامه‌ای که آن هم باز به همت امیرعباس هویدا یک درباری بهایی پایه‌گذاری شده است و احسان یارشاطر که در خانواده‌ای بهایی متولد شده مؤسس و هدایت‌گر این دانشنامه است

کدی آن‌طور که خودش می‌گوید به خاطر زن بودن به سختی توانست در دانشگاه آریزونا^۱ تدریس بگیرد و بعد از چند سال تدریس و کار در این دانشگاه و کالج اسکریپس^۲ در سال ۱۹۶۱ در مقام استادیار مهمان به دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس^۳ رفت و در سال ۱۹۶۳ به رتبه استادیاری آن دانشگاه ارتقا پیدا کرد.

بیشتر کتاب‌های این نویسنده در موضوع تاریخ ایران و با نگاهی اجتماعی و سیاسی به نگارش درآمده است. اولین کتابش مذهب و شورش در ایران؛ جنبش تنباکو^۴

در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسید. دو سال بعد پاسخ/اسلامی به امپریالیسم^۵ را منتشر کرد. همچنین یک زندگی‌نامه از سید جمال‌الدین اسدآبادی به نام سید جمال‌الدین افغانی: یک زندگی‌نامه سیاسی^۶ را در دانشگاه برکلی به چاپ رساند.

ایران: دین، سیاست و جامعه^۷ چهارمین کتابش بود که او را بیش از پیش در موضوع ایران شناخته شده کرد. این شناخت در شهرت کتاب بعدی‌اش ریشه‌های انقلاب: تاریخ تفسیری ایران مدرن^۸ بی‌تأثیر نبود. ترجمه این کتاب با نام ریشه‌های انقلاب/ایران که توسط «نشر علم» منتشر شد در بین انقلاب‌پژوهان ایرانی، به‌خصوص روشنفکران ایران نیز به شهرت خوبی رسید. ایران و جهان اسلام: مقاومت و انقلاب^۹ و عصر قاجار و ظهور رضاخان^{۱۰} دو کتاب بعدی او هستند که کتاب دوم با نام ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان توسط «نشر ققنوس» به فارسی ترجمه و منتشر شده است. آخرین کتاب او زنان در خاورمیانه: گذشته و حال^{۱۱} است که با همین نام به دست «نشر شیرازه» در سال ۱۳۹۵ ترجمه و منتشر شده است.

1. University of Arizona
2. Scripps Research Institute
3. University of California, Los Angeles
4. *Religion and Rebellion in Iran: The Tobacco Protest of 1891-92*, Frank Cass, 1966.
5. *An Islamic Response to Imperialism*, University of California Press, 1968.
6. *Sayyid Jamal al-Din "al-Afghani": A Political Biography*, University of California Press, Berkeley, 1972.
7. *Iran: Religion, Politics and Society*, Frank Cass, London, 1980.
8. *Roots of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran*, Yale University Press, 1981.
9. *Iran and the Muslim World: Resistance and Revolution*, Macmillan, London, and New York, New York University (NYU) Press, 1995.
10. *Qajar Iran and the Rise of Reza Khan*. Mazda, Costa Mesa, CA, 1999.
11. *Women in the Middle East: Past and Present*, Princeton University Press, 2007.

البته کدی در این بین چندین کتاب و مقاله دیگر هم به شکل مشترک با نویسندگان مختلف منتشر کرده که از آن جمله می‌توان به *ایران و دنیای مجاورش*، *انقلاب ایران و جمهوری اسلامی*، *شیعه‌گری و جنبش اعتراضی و دین و سیاست در ایران* نام برد. او اثری مشترک با مارک گازیورفسکی به نام *نه شرقی، نه غربی: بررسی روابط ایران با اتحاد شوروی و ایالات متحده/امریکا* دارد که با ترجمه الهه کولایی و ابراهیم متقی در سال ۱۳۷۹ توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.

متن و حاشیه «نتایج انقلاب ایران»

سه فصل افزوده شده به کتاب *ریشه‌های انقلاب اسلامی* با نام «نتایج انقلاب ایران» توسط مهدی حقیقت‌خواه به فارسی ترجمه و به دست نشر ققنوس روانه بازار شده است. مرجع بررسی در این نوشتار همین ترجمه خواهد بود. اگر چه در مواردی به کتاب اصلی نیز نگاهی می‌اندازیم. در بین دیگر آثار این مترجم، کتاب‌هایی مثل *رویارویی فکری ایران با مدرنیت* به قلم فرزین وحدت و *تجدد آمرانه، جامعه و دولت در عصر رضاشاه* به قلم تورج اتابکی هم دیده می‌شود. تورج اتابکی و فرزین وحدت نیز علاوه بر آثاری که جهت‌گیری‌های ضد جمهوری اسلامی دارند هر دو از فعالان انجمن مطالعات ایران‌شناسی،^۱ از دبیران فصلنامه *ایران‌نامه* و از روشنفکران حامی جنبش سبز و کارشناس برنام‌های شبکه بی‌بی‌سی فارسی هستند.

«انجمن مطالعات ایران‌شناسی» همان انجمنی است که کدی سال ۲۰۰۸م «جایزه یک عمر دستاورد» را برای مطالعات ایران‌شناسی از آن دریافت کرد. کدی همچنین عضو «کمیته آزادی‌های علمی و عقلانی»^۲ این انجمن است.

این مترجم پرسابقه البته اشتباهاتی عجیب در ترجمه کتاب داشته است که بارزترین نمونه آن بازگرداندن اشتباه نام «افشین متین‌عسگری» به «متین دفتری» است که دقت مترجم را زیر سؤال خواهد برد.^۳ این احتمال وجود دارد که به خاطر شهرت خانواده متین‌دفتری در دوران پهلوی و ارتباط آنان با دربار این اشتباه صورت گرفته است.

کدی در سال ۱۹۶۶ پژوهشی در مورد انقلاب مشروطه و جنبش تنباکو در ایران انجام داد. این پژوهش با عنوان *تحریم تنباکو در ایران* در سال ۱۳۵۶ با ترجمه شاهرخ

1. <http://associationforiranianstudies.org/>

2. <http://associationforiranianstudies.org/caif/advisory>

۳. نیکی آر. کدی، *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۹۳، ص ۱۲.



کدی در کنار تمام ارتباطات پیچیده‌اش با نزدیکان و بازماندگان دربار پهلوی، ریشه‌ها و گرایش‌های غیر قابل انکاری به کمونیسم دارد

قائم‌مقامی به وسیله انتشارات تیسفون و با همکاری مؤسسه انتشاراتی فرانکلین منتشر شد.^۱ البته این، شیوه انتشارات فرانکلین بود و بسیاری از کتاب‌هایش را به همین شیوه و توسط ناشران دیگر به چاپ می‌رساند و در شناسنامه اثر می‌نوشت: «با همکاری مؤسسه فرانکلین».^۲

این انتشارات که به دست همایون صنعتی‌زاده تأسیس شده است به عقیده بسیاری از جمله موسوی گرمارودی که اولین مدیر این انتشارات بعد از انقلاب اسلامی بود در دوستی با خاندان پهلوی و تحت حمایت دربار فعالیت می‌کرد. موسوی گرمارودی در همان اوایل مدیریت خود بر مؤسسه فرانکلین (سازمان آموزشی نومرز) در مصاحبه‌ای با مجله/مید/یران که در آن زمان به سردبیری علیرضا نوری‌زاده، منتشر می‌شد، فرانکلین را شعبه‌ای از سازمان اطلاعات مرکزی امریکا خواند. در بخش‌هایی از مصاحبه فوق آمده بود:

باید در مورد بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب بنشینیم و تصمیم بگیریم؛ چون این کتاب‌ها آماده چاپ هستند و از آنجا که غالباً مربوط به دودمان پهلوی است نیاز به بررسی دارد که آیا چاپ بشود یا نه. تعجیبی هم ندارد، چرا که انتشارات فرانکلین زمانی که به انتشارات «نومرز» تغییر نام داد تازه تحت ریاست عالی‌ه اشرف در آمد و معلوم است که به این ترتیب در این مؤسسه چه کتاب‌هایی به چاپ می‌رسیده است.

طبقه روشنفکر و کتابخوان پی بردند که فرانکلین در زیر پوشش فرهنگی، اهداف استعماری هم دارد و بهتر است این‌طور بگویم که به حق اکثر قشرهای مردم ما در طی چند سال اخیر از چنان بینش و تجربه‌ای برخوردار شده بودند که به خوبی می‌فهمیدند مراکزی نظیر فرانکلین یا تحت هر پوشش غلط‌انداز دیگری صرفاً هدفشان رواج فرهنگ آمریکایی در ایران بوده است.^۳

کدی کتاب خود را با بیان تاریخچه کتاب و چرایی انتشار آن شروع می‌کند. نویسنده در همان ابتدا تا حدودی نسبت خود را با انقلابی که می‌خواهد درباره‌اش بنویسد مشخص می‌کند:

۱. <http://www.qoqnoos.ir/ShowReviews.aspx?ReviewID=63>

۲. پیام فضلی‌زاد، *ارتش سری روشنفکران*، تهران، کیهان، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵.

۳. «سازمان فرانکلین شعبه‌ای از سازمان سیا»، کیهان، ۱۳۹۶/۳/۱، ش ۲۱۶۲۹، ص ۶.

تلاش من بر توازن است، اما بی‌علاقگی خود را نسبت به حکومت روحانیان، همچنان که نسبت به هر طرحی برای مداخله از خارج جهت سرنگونی آن، پنهان نمی‌کنم. من به قابلیت‌های مردم ایران برای سر و سامان بخشیدن به امور خود در درازمدت اعتقاد دارم.^۱

کدی در نتیجه‌گیری کتابش این جملات را با کلیدواژه «change the existing system»^۲ تکمیل می‌کند:

تجربه گذشته ایران نشان می‌دهد که بعید است ایرانیان در درازمدت یک حکومت به شدت نامطلوب را تحمل کنند یا اجازه دهند بیگانگان بر سرنوشت‌شان مسلط شوند... قابلیت‌های مبارزه‌جویانه اثبات‌شده مردم ایران سبب این امیدواری است که آنها قادر خواهند بود بدون هر گونه مداخله خارجی نظام موجود را برای بهتر شدن تغییر دهند.^۳

بخش اول فصل‌های افزوده‌شده به کتاب که در اصل فصل دهم از کتاب ریشه‌های/انقلاب محسوب می‌شود با عنوان «سیاست و اقتصاد در دوره [آیت‌الله] خمینی (ره) ۱۳۶۸-۱۳۵۸» تدوین شده است. محتوای این بخش که در ترجمه مذکور حدود ۳۵ صفحه است گزارشی موجز است از ده سال بعد از انقلاب با تکیه بر مسائل سیاسی و اقتصادی‌ای که انقلاب اسلامی با آن درگیر بود.

حوادث سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲، کنار رفتن دولت موقت و ریاست‌جمهوری بنی‌صدر، معرفی و بررسی تعدادی از احزاب و گروه‌های فعال در سال‌های اول انقلاب، مرور اجمالی نهادها و سازمان‌های تأسیس شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رفتارندوم جمهوری اسلامی، تصویب قانون اساسی، خروج بخشی از سرمایه‌ها، ملی کردن صنایع، بانک‌ها و دیگر مؤسسات اقتصادی، حمله عراق به ایران، سهمیه‌بندی اجناس پس از آغاز جنگ، انقلاب فرهنگی، مسئله تسخیر سفارت آمریکا و عملیات آمریکا در صحرای طبس، پیروزی حزب جمهوری اسلامی و ریاست‌جمهوری رجایی، تصویب قانون حجاب در مجلس، قطعنامه ۵۹۸، قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری، رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و فرمان ارتداد سلمان رشدی مهم‌ترین موضوعاتی است که کدی در این فصل در متنی داستان‌وار به آنها می‌پردازد.

در فصل بعدی نیز شاهد گزارشی بسیار فشرده از وقایع جامعه ایران از نیمه سال ۱۳۶۸

۱. نیکی آر. کدی، همان، ص ۱۱.

۲. مترجم به سبب سبک و آگاهی این عبارات را غلط ترجمه کرده و می‌نویسد: مردم ایران... تغییرات مطلوب خود را در نظام موجود به عمل می‌آورند.

3. *Modern Iran; Roots and Results of Revolution*, Updated Edition, P 322.



یعنی روی کار آمدن دولت آقای هاشمی رفسنجانی تا اواخر سال ۱۳۸۱ یعنی دوره دوم اصلاحات هستیم.

این فصل که عنوان «سیاست و اقتصاد در ایران پس از [آیت‌الله] خمینی (ره)» را یدک می‌کشد با تقسیم دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به دو دوره قبل و بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ شروع می‌شود؛ او ویژگی اصلی دوران قبل از ریاست جمهوری سید محمد خاتمی را هم‌سویی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با رهبر عنوان می‌کند. کدی با «عمگرا» خواندن هاشمی به بررسی اقدامات او پس از پایان جنگ می‌پردازد.

وضعیت بازار در دوران پس از جنگ، خصوصی‌سازی، وضعیت بازار مسکن، تحریم‌های دولت کلینتون علیه ایران، وابستگی اقتصاد ایران به نفت، موضع ایران در بحران کویت و جنگ خلیج فارس،^۱ دگرگونی فکری و سیاسی چپ‌گرایان، انتخابات مجلس و ریاست علی‌اکبر ناطق نوری، حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی، بمب‌گذاری سفارت اسرائیل در بوینس آیرس، ریاست جمهوری خاتمی و شعارها و وعده‌های انتخاباتی و فعالیت‌های او، برنامه پنج ساله سوم توسعه، سرانه تولید ناخالص، محاکمه کرباسچی، فعالیت احزاب، شوراهای شهر و روستا، فعالیت مطبوعات، جنبش‌های دانشجویی و حوادث سال ۷۸ و رفع حصر آیت‌الله منتظری بخشی از موضوعات مرور شده در این فصل ۳۵ صفحه‌ای است. آخرین بخش از این کتاب با عنوان «جامعه، جنسیت، فرهنگ و زندگی فکری» ۴۵ صفحه از حجم این کتاب را در بر می‌گیرد. این بخش که فعالیت‌ها و مکتوبات قبلی نویسنده نشان می‌دهد که موضوعات این فصل از علایق و کارویژه‌های اصلی اوست، به پیامدها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در این عرصه‌ها می‌پردازد.

در این فصل برخلاف بخش‌های گذشته که بدون تقسیم‌بندی بودند پنج زیرعنوان اصلی آمده است: «جامعه، آموزش، بهداشت»، «زنان و خانواده»، «هنرها به ویژه سینما»، «گرایش‌های فکری: روحانی و غیر روحانی» و «جوامع اقلیت».

نیکی کدی دستاوردهای مثبت جمهوری اسلامی را در بخش آموزش و بهداشت نمی‌تواند انکار کند. بهبود زندگی جمعیت روستایی، افزایش شدید سوادآموزی دختران، ورود آنها به دانشگاه‌ها، برنامه کنترل جمعیت در نگاه کدی شاخص‌ترین این دستاوردها هستند.

در عرصه زنان و خانواده نویسنده با اشاره به سیر تحولات حقوق زنان در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی، بهبود و افزایش نسبی سطح آزادی‌های زنان را نتیجه می‌گیرد که البته هنوز در مقایسه با وضعیت مطلوب او فاصله دارد.

۱. که البته در متن اصلی، کدی عبارت Gulf War را به کار برده است.

کدی در ذیل عنوان هنرها و به ویژه سینما، مدعی می‌شود که زمامداران انقلاب اسلامی از ابتدا محدودیت‌های شدیدی را بر رشته‌های هنری اعمال کردند و در توصیف این محدودیت‌ها به ممنوعیت بدن ناپوشیده و ممنوعیت مشروبات الکلی اشاره می‌کند. گسترش کمی و کیفی حضور زنان در رشته‌های هنری و توسعه انواع موسیقی در سال‌های اخیر نیز از موضوعاتی است که او در این فصل به آن پرداخته است.

آشنایی بیشتر نویسندگان و اندیشمندان جامعه ایران با منابع غربی در سال‌های اخیر، از نظر نویسنده باعث شکوفایی عقاید دینی و سیاسی شده است. او ذیل عنوان گرایش‌های فکری: روحانی و غیر روحانی، تلاش برخی از نواندیشان دینی مانند عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و محسن کدیور برای بیان جدید از نسبت مفاهیمی چون سکولاریسم، ناسیونالیسم، فمینیسم و دموکراسی با اندیشه‌های دینی، را به دیده تحسین می‌نگرد.

بالأخره آخرین بخش، درباره وضعیت اقلیت‌های دینی و قومی در ایران امروز است. کدی با اعتقاد به کمبود تحقیقات جدی در این زمینه مدعی است که در مجموع با گذشت زمان توجه بیشتری به حقوق اقلیت‌ها شده است.

شیوه روایت کتاب سیال، غیر خطی و داستان گونه است. وقایع تاریخی و تحلیل‌های نویسنده با هم درآمیخته شده و در موارد متعددی مخاطب کدی توانایی تفکیک آنها را نخواهد داشت. به عنوان نمونه نیکی کدی در صفحه ۷۷ کتاب بدون پاورقی و درج ارجاع می‌نویسد: «مهاجرانی وزیر ارشاد، پس از آن که زیر فشار تندروها قرار گرفت، در آذر ۱۳۷۹ استعفا داد.»

خواننده در این جمله - و بسیار شبیه این جمله - بدون قرینه خارجی نخواهد فهمید که فشارهای تندروها روی وزیر ارشاد یک نمود بیرونی یا یک واقعیت عینی داشته یا تحلیل نویسنده است و اگر تحلیل نویسنده است، چه شواهد و قرائنی او را به این تحلیل می‌رساند. چنان که کدی برای خواننده‌اش داستانی را تعریف می‌کند که خود او هم خالق است و هم راوی، پس نیازی به ارجاع نیست.

برخی از پژوهشگران داخلی حوزه انقلاب نیز معتقد هستند که کدی در شیوه‌ای همچون نگارش یک گزارش مطبوعاتی سعی در روایت رویدادهای ایران پس از انقلاب برای انگلیسی‌زبانان و به ویژه سیاستمداران آنها دارد.^۱

شاید به دلیل همین سبک نوشتار است که برخی مورخان، در تحلیلی سبک نگارش این

۱. مصطفی مهرآیین، «ریشه‌ها و نتایج انقلاب اسلامی ایران: دیدگاه‌های نیکی کدی»، متین، ش ۳۳، زمستان



کتاب را گزارش تحلیلی و فاقد ارزش قابل توجه علمی و تئوریک توصیف می‌کنند.^۱ برخی دیگر از پژوهشگران نیز در ارزیابی شیوه نگارش این کتاب، سبک کدی را منجر به تقلیل‌گرایی^۲ دانسته که بر این اساس گزارش ارایه شده از حیث داشتن استنادات موردی، ضعیف ارزیابی می‌شود. این شیوه نوشتار باعث شده است قسمت اعظمی از حقایق خواه یا ناخواه پنهان گردد؛ نقیصه‌ای که به اعتقاد این منتقد در کلیه فصول کتاب قابل مشاهده است.^۳ با مرور بندی در صفحه ۳۶ کتاب که از نحوه برخورد نظام با مجاهدین (منافقین) می‌گوید می‌توان نمونه‌ای از تقلیل‌گرایی نویسنده را مشاهده کرد. این بند نشان می‌دهد این سبک از نگارش توسط نویسنده خواسته یا ناخواسته باعث شده است که بسیاری از ابعاد مسئله منافقین، جنایات آنان و رعب و وحشتی که در جامعه منتشر کرده بودند، نادیده گرفته شود و یک واقعه پیچیده در خوشبینانه‌ترین حالت به روایتی یک‌سویه تبدیل شود:

مجاهدین از سال ۱۳۵۷ به بعد روابط بدی با پیروان [آیت‌الله] خمینی داشتند. حزب‌الله به ستاد مرکزی آن حمله کرد که سرانجام آن را تخلیه کردند. آنها از شورش کردها حمایت، با ولایت فقیه مخالفت و رفرا دوم قانون اساسی را تحریم کردند. [آیت‌الله] خمینی آنها را «منافقین» نامید. در خرداد ۱۳۶۰ که علیه تحت تعقیب قرار گرفتن بنی‌صدر دست به تظاهرات زدند، حزب‌الله برخی از آنان را کشت و آنها راه مبارزه مسلحانه علیه رژیم را آغاز کردند. در یک همایش رهبری حزب جمهوری اسلامی در تیرماه، بمبی منفجر شد که باعث کشته شدن بیش از هفتاد نفر، از جمله بهشتی، چهار وزیر و ۲۵ نماینده مجلس شد. کمی پس از آن، رئیس زندان اصلی تهران به قتل رسید. مجاهدین مسئول شناخته شدند و سرکوب شدیدی صورت گرفت و در نهایت هزاران نفر اعدام شدند.

این عدم ارجاع به منابع حتی گریبان خود کدی را هم می‌گیرد و با اشتباهی عجیب در صفحه ۲۷۰ ویرایش جدید کتاب اصلی، آراء دور اول سید محمد خاتمی را به جای ۲۰ میلیون، ۲۹،۷ میلیون رأی - که مجموع شرکت‌کنندگان در انتخابات است - اعلام می‌کند. که این اشتباه علاوه بر اینکه از چشم‌بازبین‌ها و ویراستارانی که نام‌شان در مقدمه کتاب ذکر شده، دور مانده، توسط مترجم نیز اصلاح نشده است و در صفحه ۶۴ شاهد آن هستیم. مترجم در مواردی البته اشتباهات کدی را در پاورقی اصلاح کرده است. برای نمونه

1. hamshahronline.ir/HAMNEWS/1383/831206/world/_cultw.htm.

۲. منظور از تقلیل‌گرایی در اینجا ساده کردن بیش از حد یک پدیده اجتماعی به صورت ناموجه است.

۳. دین و ارتباطات، ش ۲۲، تابستان ۱۳۸۳، معرفی و نقد کتاب.

یکی از ضعف‌های کدی این است که فقط از منظر ایران‌شناسان غیر ایرانی یا پژوهشگران ایرانی خارج‌نشین و عمدتاً مخالف با نظام، به انقلاب ایران نگاه می‌کند و با وجود اینکه قبل از انقلاب دو بار به ایران آمده، اما بعد از انقلاب به جز روایت همین افراد و رسانه‌های شان فهمی از انقلاب اسلامی ایران ندارد

در صفحه ۲۷ کتاب، اصل چهارم قانون اساسی را این‌گونه بیان می‌کند: «فقیه دارای اقتدار الهی برای حکومت کردن و تنها در برابر خداوند مسئول است.»

با استناد به آن بیان می‌کند که مجلس خبرگان در تنظیم قانون اساسی اختیارات فوق‌العاده‌ای به امام خمینی (ره) اعطا کرد که مترجم در پاورقی با اشاره به این اشتباه بیان می‌کند که چنین تعبیری در

قانون اساسی وجود ندارد. قانونی که با یک جست‌وجوی ساده می‌توان متن آن را مرور کرد. یا در ارجاعی به کتاب اکبر گنجی، نام دو کتاب این نویسنده جریان اصلاحات را با یکدیگر تلفیق کرده که باز مترجم در پاورقی صفحه ۱۱۷ اشتباه کدی را اصلاح می‌کند. تلفیق نام دو کتاب با هم این احتمال را در ذهن ایجاد می‌کند که حتی نویسنده زحمت رجوع به این کتاب را به خود نداده است.

مراجعه به دو بخش یادداشت‌ها و منابع کتاب نشان می‌دهد که کدی برای تدوین این فصول به کتب دو گروه مراجعه کرده است؛ ایران‌شناسانی که خود ایرانی نبوده و انقلاب را از دور به نظاره نشسته‌اند یا پژوهشگرانی ایرانی اما خارج‌نشین و عمدتاً مخالف انقلاب. افرادی همچون محسن میلانی، اصغر شیرازی، پروانه آبراهامیان، مازیار بهروز، عباس میلانی، مهدی مسلم، شهرام چوبین و...

یکی از ضعف‌های کدی این است که فقط از منظر این افراد به انقلاب نگاه می‌کند و با وجود اینکه قبل از انقلاب دو بار به ایران آمده، اما بعد از انقلاب به جز روایت همین افراد و رسانه‌های شان فهمی از انقلاب اسلامی ایران ندارد.

سید جواد طباطبایی، مدیر گروه فلسفه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، نیز در گفت‌وگویی با نشریه مهرنامه با اشاره به شرق‌نویسان غربی و مشکل فهم‌شان از ایران، می‌گوید:

تاریخ‌نویسی هیچ کشوری از بیرون آن کشور تاکنون ممکن نشده است. تاریخ‌نویسان ما هم معمولاً در آکسفورد، نیویورک، فرانکفورت و پاریس اقامت دارند و برخی حتی فارسی را درست نمی‌توانند بخوانند. تاریخ‌نویسی، اگر بخواهد چیزی بیش از روشن کردن وجهی از تاریخ و تاریخ‌اندیشه با پژوهش‌های علمی باشد، یعنی تاریخ ناحیه‌ای و منظوم از آن، تاریخی است که فعال سیاسی برای توجیه یا توضیح فعالیت سیاسی



کوتاه‌مدت خود می‌نویسد، جز با تکیه بر آگاهی ملی امکان‌پذیر نمی‌شود. مثالی بزمن چون دانشمندان ما فعالان سیاسی هستند - یا دست کم فعالان سیاسی هم هستند - این مسائل درست فهمیده نمی‌شود. ببینید در دهه‌های اخیر ژاپنی‌ها در همه رشته‌های علوم انسانی و فلسفه پیشرفت‌های شگرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، دکارت‌شناس برجسته دارند که کتابی مهم درباره دکارت نوشته - که به طور عمده در تخصص خود فرانسوی‌هاست و کتاب او چنان اهمیتی دارد که به فرانسه هم ترجمه شده، اما تحقیق او پژوهشی درباره فلسفه دکارت است و از این حیث دارای اهمیت است که با تکیه بر روحیه کارترین یا دکارتی، که مبنای آگاهی ملی فرانسوی است، نوشته شده است. درباره انقلاب فرانسه هم بیرون فرانسه بسیار نوشته‌اند، اما همه فهم‌های متفاوت از انقلاب فرانسه در اصل فرانسوی است، اگر چه برخی از تاریخ‌نویسان انگلیسی و آمریکایی توانسته‌اند با مطالعه اسناد و نظریه‌های جدید پرتویی بر برخی زوایای انقلاب فرانسه بیفکنند. اما انقلاب فرانسه را به طور عمده فرانسوی‌ها توضیح داده‌اند. درباره مشروطیت ایران نیز برخی از ایران‌شناسان چیزهایی نوشته‌اند، اما هیچ یک از آنان به پای آدمیت نرسیده‌اند. مناقشه من بر آدمیت نیز از این دیدگاه است، یعنی فهم مشروطیت ایران مشکل ماست، نه نیکی کدی آمریکایی یا میس لمتن کارمند سفارت انگلستان در تهران.^۱

این ضعف که نقیصه کوچکی هم نیست باعث عدم درک درست یا همه‌جانبه کدی نسبت به بسیاری از وقایع، تیپ‌ها و شخصیت‌های تاریخ ایران به خصوص در دوران انقلاب اسلامی شده است. این نویسنده آمریکایی، رفتار روحانیون شیعه و رهبران دینی ایران، از جمله رهبر انقلاب را با سیاستمداران ماکیاولیست غربی مقایسه می‌کند که برای کسب و حفظ قدرت به هر کاری دست می‌زنند؛ امری که به هیچ وجه حداقل در خصوص امام خمینی قابل قبول به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل است که تفسیر این نویسنده از تصمیمات امام خمینی در مواردی چون برخورد ایشان با منافقین، ایجاد نهادهای انقلابی، حمایت از دولت موقت، اعلام فتوا بر ضد سلمان رشدی، نوع مدیریت ماجرای بنی‌صدر، پذیرش قطعنامه و... ناقص و کاریکاتوری از آب در می‌آید.^۲

۱. حامد زارع، منصور هاشمی و محمد قوچانی، «گفت‌وگو با سید جواد طباطبایی: تسویه حساب با چریک‌ها»، مهرنامه، تابستان ۱۳۹۲.

۲. دین‌و ارتباطات، همان.

ایرانی که کدی در کتابش
به تصویر می کشد در خلأ
است و اتفاقات آن در
فضایی خالی از هر عامل و
فشار خارجی رخ می دهد

مسعود کرمان نیز با اشاره به همین نگاه یک بعدی و
ناقص معتقد است کتاب نتایج/انقلاب/ایران در راستای
تفکرات روشنفکری غیردینی به جامعه ایرانی می نگرد. این
پژوهشگر حوزه تاریخ و فرهنگ که در نشستی به نقد این
کتاب می پردازد دیدگاه کدی را این طور تحلیل می کند:

زاویه دید او به کشور ما با دلسوزی و ترحم به نیروهای غیر مذهبی،
اعم از ملی گراها و چپ گراها و فقط به این خاطر است که جامعه مذهبی ما
همه آنان را که دنیاداری را تبلیغ می کردند منزوی کرده است. نویسنده
در قسمت های مختلف از کتابش، نوید می دهد که به اصطلاح خودش
«فرآیند مدرن سازی» در دین گسترش خواهد یافت و روز به روز شتاب
خواهد گرفت و نظام حکومتی ایران به ضعف خواهد گرایید و غرب خواهد
توانست دوباره به همه ابعاد زندگی مردم مسلمان ایران تسلط پیدا کند.

وی در ص ۱۳۵ از کتابش می نویسد:

تجربه گسستن از غرب، این عقیده را که گرایش به امپریالیست های
غربی مسبب همه مشکلات است، تضعیف کرده است و حتی کسانی که
دارای تحصیلات روحانی هستند، به طور فزاینده ای در جهت شک کردن
در گفته و عملکرد روحانیون برجسته سیاسی میل می کنند و این اعتقاد را که
حکومت اسلامی مشکلات انسانی و اجتماعی را حل کند، به شدت سست
کرده است. شاید عقاید سکولار در ایران، از هر جای دیگری قوی تر باشد.
ایرانی که کدی در کتابش به تصویر می کشد در خلأ است و اتفاقات آن در فضایی خالی
از هر عامل و فشار خارجی رخ می دهد. او چندین بار در کتاب تأکید می کند که با هر گونه
دخالت خارجی در کشور مخالف است و انگار این خواسته خود را محقق شده می بیند.

کدی در فضای فکری امریکایی خود به وقایع ایران می نگرد. او وقتی می خواهد از موانع
ارتباطی ایران با کشورهای غربی بگوید، دو عنوان «حمایت ایران از تروریسم بین المللی» و
«دنبال کردن برنامه هسته ای» را ذکر می کند^۱ و ایران را یک طرفه در این امور مقصر می داند.
تحریم های امریکا و کشورهای غربی در کتاب نتایج/انقلاب/ایران تأثیری در اقتصاد کشور
ندارند و فقط آن چه اهمیت دارد و باید آن را بزرگ نشان داد، خوب نبودن حال اقتصاد
ایران است.

۱. نیکی آر. کدی، همان، ص ۶۰.



کدی سنگ مردم را به سینه می زند و
آرزوی تغییر سیستم برایشان می کند
اما وقتی از انتخابات های میلیونی مردم
می گوید یادش می رود اینها به معنای
دموکراتیک بودن سیستم و تأیید همین
سیستم از سوی مردم است

کدی از همان ابتدا مردم، سیاستمداران و
روحانیون را به پیروان [امام] خمینی و دیگران
تقسیم می کند^۱ و رفته رفته عنوان تندرو را با
طرفداران امام و انقلابی ها عجین می کند. در
مقابل، نیروهای متمایل به غرب «میانه» رو
خطاب می شوند؛ چرا که در همان فضای
امریکایی ای که دارد، وضعیت مطلوب، نزدیک
شدن به آرمان های امریکایی است. فرقی نمی کند بازرگان باشد یا آیت الله منتظری. آیت الله
شریعتمداری باشد یا عطاءالله مهاجرانی.^۲

کدی سنگ مردم را به سینه می زند و آرزوی تغییر سیستم برایشان می کند اما وقتی از
انتخابات های میلیونی مردم می گوید یادش می رود اینها به معنای دموکراتیک بودن سیستم
و تأیید همین سیستم از سوی مردم است. فرقی نمی کند که این حضور در فرآیندوم جمهوری
اسلامی باشد یا ریاست جمهوری هاشمی یا دوم خرداد، این همان سیستم است خانم کدی!

تاریخ سازی به سبک کدی

نقد تاریخی نوشته های کدی، کاری سهل و ممتنع است؛ چرا که او همیشه بین روایت
تاریخی مستند و تحلیل شخصی احساسی در رفت و آمد است. این روش او، ناقد نوشته هایش
را در موقعیتی قرار می دهد که گویی می خواهد گزاره های داستانی را از نگاه تاریخی زیر
سؤال ببرد؛ که برای این کار حتی اگر سودی فرض شود، به طور قطع به دلیل اختلاف مبنا و
رویکرد، سطح ایرادات را ریشه ای و حجم آنها را زیاد خواهد کرد. از سوی دیگر پذیرش این
نوشته ها از سوی بسیاری از اهالی فکر و قلم به عنوان منابع تاریخی، منتقد را ناگزیر به ورود
به این عرصه می کند.

در این بخش سعی داریم مروری اجمالی داشته باشیم به صفحات کتاب *نتایج انقلاب ایران*
و انگشت شماری از اشکالات پر تعداد یا جهت گیری های طرفدارانه کدی - که هویت تاریخی
کتابش را مخدوش می کند - بیان کنیم:

۱. مبارزه ادامه دارد

نتایج انقلاب ایران با این تقدیم شروع می شود:

۱. نمونه های بسیاری در کتاب موجود است؛ برای مثال در صفحه ۱۰۰.

۲. همان، ص ۲۴.

تقدیم به مردم ایران

۲۰۰۳ - سال سالگردهای مهم:

- ۵۰ سال از کودتایی که محمد مصدق نخست‌وزیر ایران را سرنگون کرد.

- ۲۵ سال از رخداد‌های اصلی انقلاب ۱۳۵۷ ایران.

- ۶ سال از انتخاب قاطع محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران.

مبارزه ادامه دارد...

نویسنده در این بخش با مروری جهت‌دار و گزینشی بر برخی از وقایع مهم ایران، ضمن اشاره به اصلاحات، و قرینه قرار دادن آن با کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب اسلامی، در پایان با عبارت «مبارزه ادامه دارد» به مخاطب القا می‌کند که اولاً در همه سال‌ها، نقطه عطف در مبارزات سیاسی، تغییرات اساسی در رأس هرم قدرت بوده است و ثانیاً اصلاحات در گاه و دریچه این سنخ تغییرات است و ثالثاً این تغییر خواهی و تغییر نظام سیاسی، هنوز هم ادامه دارد! او در حقیقت با همین چند جمله کوتاه، جهت‌گیری خود را در کتابش القا می‌کند و به یک معنا، نمی‌توان و نباید نقش محوری این جملات را در تفسیر محتوای کل کتاب، نادیده انگاشت.

همچنین استفاده از تعبیر انقلاب ۵۷ بی‌شک تعبیر دقیق و درستی نیست؛ چرا که انقلاب اسلامی ایران نهضتی هجده ساله است که از دهه چهل تا انتهای دهه پنجاه امتداد یافته است!

۲. امام خمینی(ره)

با آن که نویسنده برای سایر روحانیون بلندپایه و حتی برای برخی شاگردان امام خمینی از القاب آیت‌الله استفاده می‌کند، اما در مورد امام(ره)، نه تنها اسم مشهور ایشان (امام خمینی) را به کار نمی‌برد، بلکه از به کار بردن لقب آیت‌الله نیز دریغ می‌ورزد که این روش در کنار جانبداری آشکار، به هیچ‌وجه امری حرفه‌ای نیست! البته مترجم این لقب را اضافه نموده که در ارجاعات این مقاله به تأسی از مترجم نام ایشان به صورت «آیت‌الله خمینی» آورده شده است.

۳. انحصار روحانیون

کدی در کتاب خود می‌نویسد:

گروه‌های مخالفی که می‌توانستند علیه گرایش روحانیت به انحصار با روایت سختگیرانه‌شان از اسلام متحد شوند، چنین نکردند. سبب آن تا حدی این بود که در مراحل اولیه انقلاب، [آیت‌الله] خمینی به طور ضمنی



می‌گفت که او و روحانیان مستقلاً حکومت نخواهند کرد.^۱

گروه‌های مختلف، رهبری امام خمینی را پذیرفته بودند که یکی از دلایل آن پیوند عمیق روحانیت با توده‌های اجتماعی و قدرت بسیج همگانی مردمی ایشان بود که هیچ حزب و گروهی از این ظرفیت و پایگاه اجتماعی برخوردار نبود؛ لذا همراهی گروه‌های مختلف در حقیقت امری موافق با عقلانیت سیاسی بود چه اینکه وقتی بازرگان در پاریس از امام قهر کرد حتی نزدیکان وی نیز نامه‌ای علیه او نوشتند!

همچنین امام بعد از پیروزی نیز به قم رفت و حکومت را به دولت موقت سپرد اما بعد از مدتی بی‌کفایتی اینان موجب شد که بعد از یک دوره درمانی در تهران، خود مهار کار را به دست گیرد اما باز هم با سپردن جانشینی فرماندهی کل قوا به بنی‌صدر که در جبهه مخالف روحانیان انقلابی قرار داشت، ثابت کرد که انحصارگرایی و پس زدن مخالفان روحانیت در منظومه سیاسی وی جایگاهی ندارد!

۴. ولایت فقیه و جمهوری اسلامی

کدی در بخشی از کتاب می‌نویسد:

آیت‌الله خمینی و پیروانش در سال ۵۷ رساله وی تحت عنوان حکومت اسلامی، مشهور به ولایت فقیه را که با استدلال‌های نوظهور شیعی قدرت زیادی را برای یک فقیه تنها در نظر می‌گرفت، از دور خارج کردند و به جای آن دیدگاه‌های آزادمنشانه‌تر همراهان پاریسی او را منتشر ساختند. چه صادقانه و چه غیر از آن، آیت‌الله خمینی چندین بار به طور علنی و ثبت شده اظهار داشت که نه او و نه علما در حکومت جدید قدرت را مستقیماً در اختیار نخواهند گرفت و پیش از رسیدن به قدرت و تا مدتی بعد از آن بحث ولایت فقیه را به میان نکشیدند.^۲

جدای از تعبیر «چه صادقانه و چه غیر آن» که اتهام ضمنی دروغ‌گویی به امام (ره) است، رهبر فقید انقلاب در کتاب کشف/سرار نیز تصریح دارد که هرگز دخالت به معنای حضور مستقیم فقیه بر رأس قدرت اجرایی وجود نخواهد داشت و این نشان از قدمت نظر ایشان، پیش از انتشار رساله ولایت فقیه را دارد. بعد از انتشار رساله ولایت فقیه نیز امام (ره) از حوزویان و دانشگاهیان دعوت می‌کند که در مورد حکومت و شیوه حکومت‌داری اعلام نظر کنند. همین دعوت مبنایی شد برای طرح بسیاری ایده‌ها، حتی اگر ملی‌گراها در نگارش

۱. همان، ص ۱۵.

۲. همان.

نقد تاریخی نوشته‌های کدی،
کاری سهل و ممتنع است؛
چراکه او همیشه بین روایت
تاریخی مستند و تحلیل
شخصی احساسی در رفت و
آمد است

پیش‌نویس قانون اساسی دخالت می‌کنند و حرف آنها شنیده می‌شود، نشانه و نتیجه وسعت مشرب امام خمینی است. همه اینها شواهدی است بر رد اتهام انحصارگرایی. اجازه حضور جریان‌های مختلف در انقلاب تا بدانجا پیش رفت که در پیش‌نویس رسمی قانون اساسی نیز هیچ اثری از اصل ولایت فقیه نیست اما طبق یک روند

دموکراتیک، این اصل در مجلس خبرگان به بحث گذاشته و تصویب می‌شود و بدیهی است که استنکاف از پذیرش مصوبه مجلس خبرگان قانون اساسی، به معنای انحصارطلبی است! همچنین در سلسله دروس حکومت اسلامی امام خمینی که در سال ۴۸ برگزار شد، ایشان تنها به جایگاه ولایت فقیه و ضرورت حکومت در منظومه فقه شیعی و معارف دینی سخن گفته‌اند و در مورد شکل حکومت بحثی در میان نیست و جزئیات آن را به مجامع نخبگانی محول کرده‌اند. البته ایشان برخی از روش‌های حکومتی رایج مثل مشروطه، سلطنتی، جمهوری به معنای دموکراتیک و... را صریحاً رد می‌کند اما در مورد شیوه مورد نظر خود نفیاً و اثباتاً سخنی به میان نیاورده‌اند که گفته شود بعد از پیروزی انقلاب، از آن سخن عدول کرده است!

این گفته‌ها نشان می‌دهد که امام خمینی در خلال سلسله دروس ولایت فقیه، در مقام بیان تفصیلی شیوه حکومت نبوده‌اند؛ لذا اساساً تعارض در سنامه ولایت فقیه با قانون اساسی فرض ندارد تا برای نگارش آن لازم باشد ایده حکومت اسلامی امام به کناری نهاده شود. یعنی در حقیقت بین دروس حکومت اسلامی و پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی، یک رابطه طولی (عموم و خصوص مطلق) برقرار است نه یک رابطه تباینی یا از سنخ رابطه نقیضین که اجتماع‌شان ممکن نباشد و لازمه وجود یکی، نفی دیگری باشد.

۵. بنی‌صدر

کدی با استدلال به روایت یک‌سویه بنی‌صدر، که البته در هیچ منبع معتبر مکتوب و شفاهی، مؤیدی برای آن وجود ندارد، مدعی می‌شود که امام خمینی «به طور خصوصی به این اشاره داشت که نظرات منعکس در حکومت اسلامی خود را کنار گذاشته است، و در ابتدای دوره حکومتش نیز چه در گفتار و چه در عمل همین برداشت را به دست می‌داد»^۱
برگزاری موفقیت‌آمیز رفراندوم قانون اساسی، راه را برای انتخاب نخستین رئیس‌جمهور انقلاب مهیا ساخت و با انتشار متن کامل قانون

۱. همان، ص ۱۶.



انتخابات ریاست جمهوری (در مطبوعات مورخ اول دی ۱۳۵۸) و با معرفی حجت الاسلام محمد خوئینی‌ها به عنوان نماینده امام در کمیسیون بازرسی تبلیغات، عملاً مرحله دیگری برای تثبیت نظام سیاسی کشور آغاز شد. تا پیش از این مرحله، اشخاص زیادی برای ریاست جمهوری مطرح شده بودند که سرآمد همه آنها حضرت امام بودند که ایشان با قاطعیت رد کرده بودند.^۱

برخلاف برداشت نویسنده، این جملات صدق گفتار امام را روشن می‌کند. این دو نظر در کنار هم و فضای ایجادشده در بعد از انقلاب که خیلی از آنان نیز ریشه خارجی داشت، نشان داد که در عمل نمی‌توان بدون قرار گرفتن در بدنه نظام امور را اداره کرد؛ تهاجم و تهدید خارجی، آشوب و قدرت‌خواهی گروه‌های داخلی که در صدرشان مجاهدین و خلق مسلمان بودند و بلند شدن پرچم تجزیه‌طلبی با شارژ عوامل خارجی در بعضی نقاط مرزی، در مکتب تکلیف‌گرایی امام خمینی یک نتیجه داشت: ایشان نمی‌توانست جامعه ایرانی را به بهانه عافیت‌طلبی، یا ژست دموکراتیک و... در بحران پساانقلابی رها کند. در واقع شرایط جدید، اقتضای حکم و تکلیف تازه را داشت. خاصه آن که هیچ یک از شخصیت‌های سیاسی، احزاب و سازمان‌ها از کاریزمای کافی برای ایجاد هم‌گرایی ملی برخوردار نبودند و این ناتوانی در عمل بارها ثابت شد. استعفای دولت موقت، عزل بنی‌صدر، اعلام جنگ مسلحانه توسط مجاهدین خلق و... دلیل صدق این مدعاست. این مطلب را خود نویسنده نیز اذعان دارد که «انگیزه وحدت ملی» را از عوامل پیروزی پیروان امام خمینی برمی‌شمارد.

در این مقاله تلاش شد شبکه ارتباطی و خط فکری نویسنده کتاب و شاخصه‌های کلی قابل نقد در این اثر، مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. نقد کامل محتوای کتاب *نتایج/انقلاب/ایران* نیازمند اثر مستقل دیگری است و در این نوشتار نمی‌گنجد.

۱. عبدالرزاق اهوازی، *امام خمینی (س) به روایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*، تهران، عروج، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸.